



ریحانه نیک
کارشناس الیات

زنی از اهالی بهشت

امایمن، صحابه پیامبر، بانویی از تبار قدسیان

برکه، دختر ثعلبه بن عمرو، مشهور به امایمن، یکی از زنان ماندگار تاریخ بود، خدمتکاری که متعلق به عبد... بن عبدالمطلب، پدر حضرت محمد (ص) بود و سپس به پیامبر (ص) ارث رسید. پیامبر (ص) پس از ازدواج با حضرت خدیجه (ص) او را آزاد کرد.

امایمن جزو نخستین افرادی بود که به خدا و پیامبر اسلام ایمان آورد. او در جنگ احد به سربازان آب می‌رساند و به مداوای مجروحان مشغول بود. در جنگ خیبر نیز به همراه ام سلمه، یکی از بیست زنی بود که همراه با پیامبر (ص) از مدینه خارج شد. امایمن راوی احادیثی هم بوده و از او روایاتی به جا مانده است.

امایمن پیش از اسلام در مکه با عبید بن عمرو ازدواج کرد و از او فرزندی به نام ایمن به دنیا آورد که در غزه حنین در سپاه اسلام کشته شد. پس از درگذشت عبید بن عمرو، امایمن با زید بن حارثه ازدواج کرد. اسامه بن زید حاصل این ازدواج است. درباره رابطه او با پیامبر (ص) نوشته‌اند نزد رسول خدا عزیز و محترم بود. پیامبر (ص) برای دیدارش به خانه او می‌رفت. می‌شنیدند که امایمن را مادر صدا می‌زدند، و او را یکی از زنان بهشتی خواند. شاید روزی که پیامبر (ص) در بین اصحاب امایمن را یکی از اهالی بهشت خواند همه تعجب کردند، اما چند سال بعد، در روزگاری که محمد (ص) در میانشان نبود و همگی وصیت او را فراموش کرده بودند، امایمن جزو یاران انگشت‌شمار فاطمه (ص)، دختر محمد (ص) ماند. او در ماجرای فدک شهادت داد که پیامبر (ص) فدک را به فاطمه (ص) بخشیده است.



شهرزاده

میرزاده
پژوهشگر ارتباطات و رسانه



تلویزیون و سبک زندگی

دقیقا نمی‌توان گفت تولیدات رسانه‌ای برشی بیان‌کننده از حال و روز مردم جامعه هستند یا اینکه تولیدات رسانه‌ای هستند که با تأثیر بر رفتار مردم، وضعیت حال حاضر جامعه را رقم زده‌اند



نگاهی کوتاه به رمان ارکیده

راهی برای رسیدن



رمان «ارکیده» روایت زندگی دختری به نام ارکیده به عنوان شخصیت اصلی داستان از کودکی تا میان سالی است. ارکیده فرزند سوم خانواده‌ای سالم و خوب است که در کنار خواهرش، ارغوان، و برادرش، ارسلان، رؤیاها و اهداف بزرگی برای آینده خود می‌پرورد. اولین آرزوی او که قبولی در کنکور در رشته پزشکی است با شکست روبه‌رو می‌شود و به اجبار تحصیل در رشته مامایی را آغاز می‌کند. بعد از آن، با انتخاب اشتباه در بزرگ‌ترین تصمیم زندگی‌اش، با مشکلات و موانع بسیاری روبه‌رو می‌شود اما ارکیده در این مسیر صبر می‌کند، فداکاری می‌کند و از پای نمی‌نشیند. او در این راه به زنی توانمند و با قدرت تبدیل می‌شود که در پایان رمان، می‌بینیم از سختی‌ها و مشکلات خود گذشته و به سراغ رنج‌ها و سختی‌های زنان دیگر جامعه‌اش رفته است تا با قلم خود گوشه‌ای از آن‌ها را به جامعه نشان بدهد.

رمان «ارکیده» نوشته ماندانا امیری است که از سوی انتشارات مایا با شمارگان هزار نسخه و در ۲۰۳ صفحه منتشر شده است. این رمان از زاویه دید سوم شخص محدود به ارکیده شخصیت اصلی داستان نوشته شده است که مخاطب را دوشادوش ارکیده وارد موقعیت‌های داستانی می‌کند هرچند در موارد محدودی این زاویه دید به دانای کل تبدیل می‌شود. داستان از تصویر بازتاب نور بر موهای خرمایی ارکیده در دوران کودکی شروع می‌شود. فصل پایانی کتاب نیز با بازتاب نور بر موهای خرمایی نوه ارکیده به اتمام می‌رسد. نویسنده با این تصویر سعی کرده است به رمان فرم دوار و دایره‌ای ببخشد و فرم زیبایی‌تری را خلق کند. این رمان از صور خیال و صنایع ادبی بهره می‌برد که تسلط نویسنده را در این حوزه نشان می‌دهد. کتاب نثر روان و بسیار لطیفی دارد و پر است از توصیفات و تشبیه‌های زیبا. گاهی نیز توصیفی بسیار مستقیم از شخصیت‌ها به مخاطب ارائه می‌دهد و جای خالی توصیف و ارائه تصویر غیرمستقیم و استعاره‌ها و مجازها و در پی آن کشف و شهود خوانندگان کمی خالی مانده است. با این حال، رمان ارکیده تلاش موفقی برای نویسنده جوانی مانند خانم ماندانا امیری است که سه کتاب «جهان سکوت من»، «به قفس اعتماد کن» و «ماه سربریده» را در کارنامه دارد.

برشی از کتاب

به آسمان خیره می‌شود. دانه‌های الماس برف خرامان از دل آسمان پایین می‌آیند و گونه‌ها و موهای ابریشمی ارکیده را بوسه‌باران می‌کنند. بوسه‌های سرد برف روی گونه‌های گرم و گلگون معصومانه او حس خوشایندی را به حال و هوای نوجوانی ارکیده می‌بخشد. انگار که می‌خواهد با سمفونی آرام و زیبایی دانه‌های کوچک برف هم‌نواپی و با رقص و پایکوبی، آغوشش را تقدیم آسمان کند و احساس و غرور یک دختر سیزده‌ساله را نشان دهد. به زمین پوشیده از برف که جامه سپیدی بر تن کرده است نگاه می‌کند. صدای خش‌خش برف که با هر قدم فرورفتن چکمه‌هایش توی برف‌ها به گوش می‌رسد، برای ارکیده زیباترین آواها و زیباترین تصویرهاست. آرام زمزمه می‌کند: چقدر زمستان زیباست!



«ارکیده»

• نویسنده: ماندانا امیری

تغییراتی در نحوه رفتار خانواده و اعضای خانواده نسبت هم یکدیگر شکل گرفت. رسانه نیز که به اصطلاح مسیر خود را بر اساس خواست جامعه پیدا می‌کند، به صورت فاعل یا منفعل، تغییر کرد و این گونه شد که فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی که زمانی حتی در گرد هم آمدن اعضای خانواده نقش داشتند، جای خود را به آثاری دادند که مبتنی بر تنها گزینی و خلوت‌گزینی ساخته شده بودند. این جریان است که امروزه با آن مواجه هستیم. تا آنجا که به یاد دارم، آخرین سریال تلویزیونی‌ای که مبتنی بر انسجام خانوادگی شکل گرفته بود سریال «پایتخت» بود که آن هم در گذر زمان و در اپیزودهای بعدی، به یک کار غیرخانوادگی تبدیل و از این گردونه خارج شد. البته به نظر می‌رسد اگر قرار باشد بازگشت به مسیر تقویت خانواده‌ها دوباره در دستور کار برنامه‌سازان قرار بگیرد، این کار باید هم‌زمان با تغییرات فرهنگی در متن اجتماع باشد. البته این کار نیز به صورت دستوری امکان‌پذیر نیست و به ابزار نرم فرهنگی نیاز دارد. ضمن آنکه نباید از نقش بی‌بدیل رسانه و تولیدات رسانه‌ای در عصر دانایی غافل شد. به علاوه، نباید از یاد ببریم که برنامه‌ها نیز باید منطبق بر خواست مخاطب تولید شوند و تولیدی که از این عنصر بی‌بهره باشد، نمی‌تواند با اقبال او همراه شود.

اما بدون شک، تأثیر و تأثر رسانه‌ها با جامعه در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی و در نهایت «فرهنگ» که مجموعه‌ای از آداب و سنن و عقاید و رسوم در سایه گذر تاریخ بر یک جامعه را در بر می‌گیرد، نقش انکارناپذیری پیدا کرده است. هنوز زمان زیادی از ورود تلویزیون به جمع خانواده‌های ایرانی نگذشته است و به یاد داریم آن زمان را که با وجود محدودیت برنامه‌ها و زمان پخش آن‌ها، اعضای خانواده گرد هم می‌آمدند تا ساعتی را در کنار هم، بیننده برنامه‌های تلویزیونی باشند. سازندگان آن روزهای فیلم‌ها و سریال‌ها نیز بر اساس همین گرد هم آمدن‌ها، قصه را مبتنی بر روابط خانوادگی تنظیم می‌کردند و این گونه شد که سریال‌های ایرانی از «صندوقچه اشرافی»، «سرکار استوار» و «پپوند» آغاز شد و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز با آثاری نظیر «هزارستان»، «خانه عروسک‌ها»، «نوروز پیروز»، «مثل‌آباد» و... گسترش یافت و کار به آنجا رسید که زمان پخش کارهای ماندگاری مثل «پدرسالار»، «خانه سبز»، «آرایشگاه زیبا»، «آوانس دوستی» و... حتی خیابان‌ها خلوت می‌شد و این مسیر ادامه داشت. در گذر زمان، جامعه ایرانی نیز در جریان تغییرات فرهنگی، از این رهگذر بی‌نصیب نماند و کم‌کم

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز
ومدیرمسئول:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیثم موسوی مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دیررئیس‌مقام:
ارژنگ حاتمی
مسئول‌ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی